گفت‌وگوی حامد بهداد با چنگیز جلیلوند در «وطن امروز»

شب پدرخوانده

دنیا خمامی

پدرخوانده‌ای که اخم نمی‌کند و متواضع است، این مهم‌ترین خصیصه‌اش است، در آن طرف هم پسری که عاشق و شیدای مارلون براندوست پس شب، شب پدرخوانده است....

یک طرف: مرد صدا / وقتی با چنگیز جلیلوند تماس گرفتم در پاسخ به من گفت: «از لطف شما ممنونم، حامد را هم خیلی دوست دارم اما بیشتر از ۳۰ دقیقه نمی‌توانم برایتان وقت بگذارم». ساعت ۹:۳۰ دقیقه گفت‌وگویمان شروع شد. از همان ابتدا آنقدر شیرین حرف می‌زد که ما را وادار به سکوت می‌کرد. آنقدر انرژی داشت که در نهایت بهداد به او گفت: آقا شما خیلی طالع بلندی داری، من جلوی شما و انرژی تان کم آوردم! تمام اسامی بزرگ سینمای هالیوود و اروپا مثل مارلون براندو، پل نیومن، پیتراوتول و... با صدای چنگیز جلیلوند برای ما شناخته شده‌اند، او آنقدر پر از ذوق و قریحه و استعداد و توانمندی است که من واقعا موقع نوشتن این مقدمه نمی‌دانستم باید کدام یک از وجوهاتش را پررنگ تر کنم؟

طرف دیگر: آنتی تکرار / کلیشه واژه‌ای است که همیشه به عنوان یک روزنامه نگار از آن بیزار بوده‌ام و فراری. حال اگر قرار باشد که روبه روی آدمی ضد کلیشه مثل حامد بهداد بنشینی انگیزه‌ای بسیار ناب پشت قضیه باشد و برای او چه انگیزه‌ای بالاتر از «مارلون براندو» و صدای او؟ صاحب این صدا همان کسی است که ۸ سال است بهداد می‌خواهد جایزه‌اش را تقدیم او کند اما بعد از ۱۰ سال حضور هنوز به‌رغم همه پدیده بودنش، نتوانسته است این جایزه را نصیب خودش کند. او در ابتدا به من گفت: خانوم من این روزها حال خوبی ندارم! اما وقتی وارد روزنامه شد آنقدر انرژی مثبتی از این فضا گرفته بود که از همان ابتدا مصاحبه را در دست گرفت و دقیقا ۵ ساعت گفت و شنید و خندید و بغض کرد و در آخر با گفتن یک جمله خستگی مرا به در کرد: «این مصاحبه یکی از بهترین گفت‌وگوهایم بود». ساعت ۱:۵۵ دقیقه نیمه شب سه‌شنبه است و آقای جلیلوند آنقدر از این گفت‌وگو راضی است که فراموش کرده به من گفته بود: بیشتر از ۳۰ دقیقه نمی‌توانم برایتان وقت بگذارم!

برخورد (۱)

بعضی‌ها مغرضانه نقد می‌کنند

جلیلوند: راستی در «بوتیک» چرا جایزه نگرفتی.

بهداد: من ۱۰ سال است که جایزه نگرفته‌ام.

خمامی: البته حب و بغض‌ها و کینه‌های شخصی باعث شده که این اتفاق تا به الان نیفتد. نقد اخیر یکی از مجلات... را در انتقاد از بازی‌تان خواندید؟

بهداد: بله من اخیرا از این ناملایمات زیاد در جراید می‌خوانم و کاملا مغرضانه است که اشکالی هم ندارد اینها بیشتر به خاطر سوء‌تغذیه و کهولت سن است که فسفرهای مغز را کاهش می‌دهد و از بین می‌برد. بگذریم ... .

خمامی: الان آقای بهداد اینجا نشسته است، کسی که عاشق مارلون براندو است و شما براندو را برای ما ساختید، می‌خواهم بپرسم از نظر شما بازی حامد بهداد در فیلم «اتوبوسی به نام هوس» شبیه براندو نیست.

بهداد: معنی‌اش این است که من تحت تاثیر او هستم، من حتی در حرف زدن هم از منوچهر اسماعیلی، ایرج ناظریان یا چنگیز جلیلوند یاد می‌گیرم. صحبت این است که باید چنته‌ات آنقدر پر باشد که روز مبادا جلوی دوربین از جیبت دیالوگ دربیاوری و بگذاری جلوی کارگردان چون آنجا وقت و زمانی برای فکر و تامل نیست.

خمامی: پس همه اینها الگوست نه ادا که بعضی از منتقدان انگ ادا و اغراق به آن می‌زنند.

بهداد: آنها می‌توانند هر نظری که می‌خواهند بدهند. تاریخ قضاوت خواهد کرد که چنگیز جلیلوند کیست، رضا کیانیان، پرویز پرستویی، مهدی هاشمی، مرحوم شکیبایی، گلاب آدینه و... چه کسانی هستند. من هم اگر چیزی داشته باشم با گذر زمان مشخص خواهد شد. گر من از سرزنش مدعیان اندیشم / شیوه مستی و رندی نرود از پیشم. اگر بخواهم به این حرف‌ها توجه کنم عقب می‌مانم. بحث من حاشیه نیست جنون من درباره بازیگری و مقوله سینما آنقدر زیاد است که اگر تکذیب یا تشویق روی من اثر بگذارد، اوت شده ام.

برخورد (۲)

محمدرضا فروتن نیاز به صدایی دیگر دارد

بهداد: دوبله مستقیما با بازیگری در ارتباط است چون یکی از ۳ رکن اصلی بازیگری یعنی بیان به عهده دوبلور در فیلم‌های دوبله شده است، اگر بخواهید صدای چند تا از بازیگران حال حاضر را دوبله کنید کدام را انتخاب می‌کردید.

من جای تو خیلی دوست داشتم حرف بزنم، به جای رضا کیانیان در «خانه روی آب» خیلی دوست داشتم حرف بزنم چون احساس کردم که این صدا با نقش همخوانی نداشت.

خمامی: اما استاد کیانیان چندین ماه روی این صدا کار کرده بود.

جلیلوند: اما من به عنوان مدیر دوبلاژ احساس کردم کمی زیر و زنانه بود یا حتی در فیلم «می‌خواهم زنده بمانم» دوست داشتم جای فرامرز قریبیان حرف بزنم چون به نظرم آن صدا جانی برای لرزاندن نداشت، بدم نمی‌آید به جای محمدرضا فروتن حرف بزنم چون او نیاز به صدایی دیگر دارد که محکم‌تر جلوه‌اش دهد و حالت زنانگی نداشته باشد مثل گرشا رئوفی است که خیلی زیبا و بااستعداد بود اما وقتی دهان باز می‌کرد و حرف می‌زد صدای یخی داشت. یادم می‌آید آقای تهامی به رئوفی می‌گفت صدایت آشپزخانه‌ای است و همیشه به من می‌گفت آقای جلیلوند! می‌خواهم به جای او سفارتی صحبت کنی. این را که می‌گفت می‌فهمیدم منظور چیست یا مثلا دوست داشتم که در «مختارنامه» بیایم و به جای فریبرز عرب‌نیا واقعا با حالت مختار حرف بزنم.

بهداد: اگر بخواهید از بهترین مدیر دوبلاژی که از نظرتان موفق‌ترین همکاری‌ها را با هم داشتید نام ببرید نام چه کسی را می‌گویید مثلا اگر به عنوان یک بازیگر از من بهترین کارگردان مدنظرم را بپرسید من نام ناصر تقوایی، مسعود کیمیایی و خیلی‌های دیگر را می‌برم که خیلی خوب با هم کار کردیم.

جلیلوند: آقای کسمایی خیلی خوب بودند. وقتی من به کاری دعوت می‌شدم مدیر دوبلاژ می‌دانست که چه کسی را دعوت کرده است. اگر بخواهم باز هم نام ببرم نام سعید شرافت و آقای رسول‌زاده و لطیف‌پور را که با هم خیلی کم همکاری کردیم را به زبان می‌آورم.